

دو ملاحظه در باره فدائیان شهید: فلکی و نابدل

پوران بازرگان

آقای قلیچ‌خانی مدیر مسؤول مجله آرش

در آرش شماره ۷۹، ص ۴۰ ضمن مطالبی که راجع به گذشته سازمان فدائی و مبارزات چریکی آمده آقای بهزاد کریمی چنین گفته است:

«من با تجربه‌ای که خودم دارم باید بگویم برخورداردی که رفیقمان (مسعود) احمد زاده در سال ۱۳۵۰ با دو رفیق دیگرمان علیرضا نابدل و مناف فلکی کرد برخورداردی واقعاً تأسف بار و تأثرآور بود. این دو رفیق را که هر دو در آستانه اعدام بودند و اعدام هم شدند به دلیل اینکه یکی (مناف) قرار خود را با احمد زاده اعتراف می‌کند و در نتیجه منجر به دستگیری مسعود می‌شود و دیگری (نابدل) زیر شکنجه خانه تیمی امیرپرویز پویان را می‌گوید که منجر به شهادت پویان می‌شود در حد خائن تلقی می‌کرد و ضربه خوردن فاجعه‌بار سازمان را از این دو می‌دانست.»

اینک دو ملاحظه را می‌آورم:

ابتدا یک نکته در باره فدائی شهید مناف فلکی. درست است که او در زیر شکنجه قرار مسعود را گفته بود که منجر به دستگیری و شهادت او شد. واکنش علیه این مسئله نه تنها از احمدزاده دیده شده بلکه عموماً رفقای فدائی هم که از درب سلول او می‌گذشتند با صدای بلند به طوری که او بشنود می‌گفتند مناف خائن است و او را سرزنش می‌کردند. یک بار وقتی مجاهد شهید محمد حنیف‌نژاد از پشت درب سلول او رد می‌شده چیزی نمی‌گوید. مناف که به سرزنش‌ها عادت داشته می‌گوید این کی بود که رد شد و به ما چیزی نگفت. حنیف‌نژاد می‌گوید مناف خیانت نکرد بلکه ضعف نشان داد. برداشت حنیف‌نژاد با توجه به تجارب کلی انقلاب این بود که افراد به رغم میل خود طاقت واحدی در زیر شکنجه ندارند و نباید همه را به خیانت متهم کرد.

دوم: در باره فدائی شهید دیگر علی رضا نابدل آقای بهزاد کریمی اشتباه کرده. کسی که زیر شکنجه خانه تیمی پویان را گفت نه نابدل بلکه شهید حمید توکلی بوده است. دقیقاً به یاد دارم در یکی از روزهای خرداد سال ۱۳۵۰ محمد حنیف‌نژاد به منزل آمد و جریان درگیری امیرپرویز پویان و اسکندر صادقی‌نژاد را با عوامل ساواک نقل کرد و توضیح داد که گویا چند روز پیش از آن حمید توکلی یکی از افراد خانه تیمی پویان را می‌گیرند. بقیه افراد هرچه به پویان می‌گویند خانه را تخلیه کنیم پویان می‌گوید دهان رفیق حمید دژ است و خانه لو خواهد رفت. حمید پس از تحمل شکنجه وقتی به خیال خودش مطمئن می‌شود که خانه را رفقا تخلیه کرده‌اند نشانی منزل را می‌دهد و در نتیجه آن فاجعه به بار می‌آید که سه نفر در حال درگیری کشته می‌شوند (پویان، اسکندر صادقی‌نژاد و رحمت پیرو نظیری) و

بقیه افراد فرار می‌کنند.

به نظر من امروز دیگر آنطور که آقای کریمی گفته نمی‌توان گفت حمید توکلی مقصر بوده است. خانه را باید طبق قرار تخلیه می‌کردند. وقتی مطلب آقای کریمی را در آرش خواندم از آنجا که نویسنده یکی از رفقای فدائی بود به خود اجازه اظهار نظر ندادم تا این که کتاب داد بیداد تألیف ویدا حاجبی منتشر شد. در ص ۲۲۷ این کتاب خانمی به نام ثریا با تیترا «لیوان‌های پلاستیکی» به ماجرای گرفتار شدن حمید توکلی و بعد درگیری خانه تیمی پویان اشاره می‌کند و از زبان شهین توکلی (خواهر حمید و همسر فدائی شهید سعید آریان) به همان نحوی جریان را نقل می‌کند که من در خرداد سال ۱۳۵۰ شنیده بودم و بین سازمان‌های مبارز در آن سالها هم شایع بود. شهید علی‌رضا نابدل در این باره نقشی نداشته است.

در اینجا من به تفسیر و چگونگی اشتباهاتی از این نوع که دامنگیر مبارزین از بالا تا پائین شده و گاه اجتناب ناپذیر بوده کار ندارم. مسلم این است که قدم گذاشتن در آن مبارزه دشوار دل و کرده و شور انقلابی‌ای می‌خواست که امروز در خارج گود برای بسیاری تصورش هم ممکن نیست تا چه رسد به داوری.

این چند سطر را به منظور تصحیح روایت آقای کریمی از یک گوشه از تاریخ آن سالها برایتان می‌فرستم. با پوزش از ایشان و با احترام به همه آن مبارزان دلیر و همه مردم با انصاف.

با تقدیم احترام،

پوران بازرگان

منتشر شده در آرش شماره ۸۴ ، خرداد ۱۳۸۲ ، ژوئن ۲۰۰۳